

درباره تحولات ایدئولوژیک

سازمان مجاهدین خلق

ایران

"... یکبار دیگر در گوشه دیگری از جهان و در تجربه انقلابی مردم دیگری، بر این حقیقت جهانی که مارکسیسم - لنینیسم تنها ایدئولوژی طبقه کارگر و علم رهایی خلقهاست صحنه گذارده میشود."

از بیانیه - ص ۶۰

پیکار علیه ستیزی و بیداد، مبارزه برای براندازی استثمار و ظلم و تلاش در راه بهسازی آینده بشریت و حل یک تضادهای جهان فقر و ثروت کورانهائی است که انسان پیکارگر صادق در گذار از آنها به ناچار به کمونیسم به عنوان تنها چراغ راهنما و تنها جهانبینی تا پایان انقلابی میرسد. و درست در همین کورانهها بوده که پیکارگران راستین به حربه برنده خود دست یافتهاند، کمونیسم حقانیت خود را ثابت کرده و کمونیستها روز بروز نیرومند و نیرومندتر شدهاند.

رفیق قهرمان ما شکراله پاک نواز در بیدادگاه نظامی شاه گفت: "آقای رئیس دادگاه، من قبلا یک فرد مذهبی بودم که در جریان مبارزه اجتماعی، پس از مطالعه زیاد، پس از تفکر زیاد، پس از بارها توقیف و زندان و کسب تجربیات زیاد در عمل به این نتیجه رسیدم که سعادت ملت ایران و آزادی تمام بشریت تنها در سایه پرچم مارکسیسم - لنینیسم، یعنی ایدئولوژی محروم ترین توده های مردم قابل وصول است." و بی تردید پاک نواز تنها یک نمونه از میلیونها انسانی است که در جریان مبارزه اجتماعی خود به این حقیقت رسیده اند و در جریان عمل انقلابی چنین تکامل یافته اند و این راه تکامل همه کمونیستها بوده است. پس در جریان تکامل اندیشه و عمل انقلابی است که به مارکسیسم - لنینیسم میرسیم و با دست یافتن به مارکسیسم - لنینیسم در گرو تکامل اندیشه و عمل در میدان مبارزه اجتماعی است. و این پروسه ای است که رفقای انقلابی ما رزمندگان سازمان مجاهدین خلق ایران طی کرده اند. در بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک رفقا میخوانیم: "این بیانیه نشان میدهد که ما چگونه با ریشه های نظرات غلط و شیوه های نادرست کار در سازمان به مبارزه برخاسته ایم، چگونه توانستیم صفای باطن و وحدت عمیق تر ایدئولوژیک را در سازمان برقرار نمائیم و چگونه در روند مبارزه ای آشتی ناپذیر علیه رژیم مزدور حاکم، و در جریان صافخانه ترین کوششها برای حل اساسی ترین مسائل انقلاب به حقیقت مارکسیسم - لنینیسم نائل آئیم." ص ۱-۱۱ و بدین ترتیب است که سازمان مجاهدین خلق ایران با یک دوره تجربه عمل انقلابی به جنبش کمونیستی ایران می پیوندد.

پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش کمونیستی ما از یکسوی نشاندهنده پیروزی دو سال مبارزه ایدئولوژیک دشوار و پیگیر درون سازمانی این رفقا است و از سوی دیگر پیروزی بی بزرگ است برای جنبش کمونیستی ما که کوله بار حدود ۷۰ سال تجربه پیکار خونین و آشتی ناپذیر علیه دشمنان طبقاتی پرولتاریا و دشمنان خلقهای ما را بر پشت دارد، پیروزی تازه ای است برای جنبشی که در تمام طول تاریخ شکوهند خود - از آن زمان که رهبر سترگ این جنبش حیدر خان عموغلی و یاران صدیقش با دلاوری و دانائی تمام این پرچم سرخ را بر فراز بام وطن ما برافراشتند و یک یک جان خود را در راه هرچه برافراشته تر نگهداشتند اینا کردند، تا آن زمان که ارانی بزرگ جان پاک خود را در پای همین پرچم داد و تا آن هنگام که روزه دلاوری و یاران وفادارش علیزخم خیانت و فرار رهبری اپورتونیست و سازشکار حزب توده، ایستادند و حماسه آن سحرگاهان خونین را آفریدند و تا امروز که این کاروان دلاوری و پاکبازی را رفقای چون جزئی، گلسرخ و تره گل با خون خود سالاری میکنند، در تمام این مدت - پیشاپیش جنبش رهایی بخش خلقهای ما در حرکت بوده و هزارها قربانی در راه رهایی مردمان داده است.

پیوستن سازمان مجاهدین خلق ایران به جنبش کمونیستی ما - که خود در روند دو سال مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی، تکامل اندیشه و عمل در میدان مبارزه انقلابی و برخورد صادقانه و مسئولانه به بسیاری از خطاها و نارسائی های گذشته، انبوهی تجربه آموختنی در خود دارد، و میتواند نمونه ای از خلافت جریان انتقاد و انتقاد از خود و سرمشتی برای دیگر نیروها در برخورد بیرحمانه به نقضات و بی جوئی پیگیر و علمی ریشه های آنها باشد - پیروزی بی بزرگ است برای جنبش نوین کمونیستی ما که باید از طرف تمام سازمانها و گروه های کمونیستی تأیید و پشتیبانی شود و همگان این پیروزی را پیروزی خود بدانیم.

دو سال مبارزه، ایدئولوژیک درون سازمانی این رفقا که این پیروزی را با خود آورده، دستاوردهای بسیار ارزنده‌ای برای خود سازمان و کل جنبش کمونیستی ما در بر داشته که توجه به آنها و بهره‌گیری از آنها می‌تواند برای آینده جنبش در حد خود راهگشا باشد. یکی از ارزنده‌ترین این دستاوردها، اعتقادی است که این رفقا در جریان مبارزات گذشته خود به ضرورت مبارزه، ایدئولوژیک و نقش‌تئوری در جریان جنبش انقلابی یافته‌اند و امروز آنرا بخشی مهم از مبارزات جنبش اعلام می‌کنند. ما این توجه به مبارزه، ایدئولوژیک و طرح و براه‌انداختن آن از طرف رفقا در سطح جنبش را، به این رفقای رزمده ته‌نیت می‌گوئیم و امیدواریم که در جریان این مبارزه و برخورد عقاید نیروهای انقلابی، راه درست شناخته‌گردد. کم‌توجهی و بی‌توجهی به مبارزه، ایدئولوژیک و نقش آن در پاکسازی راه انقلاب در گذشته و امروز همیشه یکی از کمبودهای جنبش کمونیستی ما بوده و این است که امروز توجه این رفقا به آن دارای اهمیتی ویژه میگردد. در این تردیدی نیست که برای تشخیص راه از بیراهه‌ها، برای زدودن آلاشها، و در این مرحله از جنبش ما برای یافتن راه انجام وظایف کمونیستها در قبال پرولتاریا و دیگر طبقات خلق و وحدت کمونیستها و ایجاد حزب کمونیست، نیاز به مبارزه، ایدئولوژیک هست و بدون آن کاری از پیش نمی‌رود. و باز هم ما در این تردیدی نداریم که تا زمانی که کمونیستهای ایران متحد نشده و حزب خود را بوجود نیاورند، نخواهند توانست در زمینه مبارزه برای سرنگونی رژیم فاشیستی شاه و در راه تغییر موازین موجود در جامعه گام مهم و ارزنده‌ای بردارند. ایجاد حزب کمونیست ایران را که حاصل وحدت تمامی مارکسیست - لنینیست‌های ایران است وظیفه اساسی مارکسیست - لنینیست‌ها در این مرحله میدانیم و امیدواریم که رفقای مجاهد ما با سوابق مبارزاتی خود، با تجربه‌ای که طی این سالیان مبارزه اندوخته‌اند و معتر از همه با توجهی که به امر مبارزه، ایدئولوژیک و نقش‌تئوری انقلابی در جریان انقلاب ابراز میدارند، در این رابطه نقشی را که شایسته آنند ایفا کنند.

* * * * *

از زمانی که رفقای مجاهد ما رسماً تغییر مواضع ایدئولوژیک خود را اعلام داشتند، یک جریان مبارزه ضد - کمونیستی و زیر سرپوش "مبارزه علیه خیانت" از طرف عناصر و امانده‌ای که سالها از قبل خون مجاهدین شهیدان خورده بودند و به حساب قهرمانی‌های دلاوران این سازمان دکانداری کرده بودند، براه افتاد. علل بسراه افتادن یک چنین جریان ضد کمونیستی روشن بود. از یکطرف سدی که تا این زمان در مقابل اینان قرار داشت (مواضع اصولی و درست سازمان مجاهدین خلق در قبال نیروهای کمونیست و تظاهر این عناصر به وابستگی‌شان به این سازمان) با تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان در واقع شکسته شد و اینان دیگر مانعی برای بروز عقاید مدتها در دل نگه‌داشته خود ندیدند. از طرف دیگر با تغییر ایدئولوژی سازمان و از دست رفتن این تکیه‌گاه، منافع شخصی و امتیازات شیخ منشانه اینان به خطر افتاد و پایههای کاهی که در خیال خود به حساب دیگران و بصرای آفاقی کردن در آن، ساخته بودند، یکباره فرو ریخت، این شد که ناگهان همه انگیزه‌های "مبارزه" اینان علیه رژیم از بین رفت و جای رژیم را در ظاهر سازمان مجاهدین خلق و در باطن جنبش کمونیستی ایران و گذشته افتخارآمیز گرفت و لجن پراکنی‌ها آغاز شد که همچنان نیز ادامه دارد. غرض ما در اینجا از اشاره به این عناصر و "مبارزه علیه خیانت" شان به هیچوجه پاسخگوئی به اتهاماتی که اینان به جنبش کمونیستی می‌زنند نیست. کمونیستها از این دشمنان کم ندیده‌اند و از این فحاشی‌ها کم نشنیده‌اند، و این صحبت امروز و کمونیستهای ایران به تنهایی هم نیست. بیش از یک قرن و ربعی پیش از این نیز مارکس و انگلس این دو آموزگار کبیر پرولتاریای جهان اثر فضا ناپذیر خود مانیفست حزب کمونیست را با اشاره به همین دشمنان رنگارنگ کمونیسم آغاز کردند: "شیخی در اروپا در گشت و گذار است، شیخ کمونیسم. همه نیروهای اروپای کهن برای تعقیب این شیخ مقدس متحد شده‌اند، پاپ و تزار، مترنخ و گیزو، رادیکالهای فرانسه و پلیس آلمان...". از آن زمان تا کون کمونیسم از طرف تبار پاپ و تزار و مترنخ و گیزو... و جان‌نشینان و وارثان مدام اتهام خورده و مدام تحت پیگرد "قانونی" و غیرقانونی بوده، اما از آنجائی که ایده آل بشریت انقلابی بوده و نیروی مادیش را صدها میلیون انسان رنجبر و ستمدیده تشکیل میدادند، مدام علیه همه تلاشهای "پاپ و تزارها" گسترش یافته و بی‌تردید امروز نیز از دست دشمنانش - نه در وطن ما و نه در هیچ گوشه دیگر جهان - کاری بیش از گذشتگان ساخته نخواهد بود. اینان بیهوده سر خود را به دیوار میکوبند و بهمین دلیل همانسان که گفتیم غرض از اشاره به آنها به هیچوجه جوابگوئی شان نیست،

بلکه غرض ذکر دو نکته بسیار مهم است در رابطه با این جریان:

۱- حساب این امتیازخواه‌های جنبش را - که متأسفانه در صفوف دیگر نیروها نیز نمونه‌هایی دارند - باید از حساب روحانیت مرفقی ایران جدا دانست. روحانیت مرفقی ایران که دارای سابقه مبارزاتی مقدسی است، با عزم راسخ در میدان پیکار علیه رژیم فاشیستی محمدرضا شاه ایستاده و انگیزه مبارزاتیش نیز نه مذهبی بودن یا نبودن فلان سازمان، بلکه ضرورت سرنگون ساختن رژیم فاسد و ضد خلقی پهلوی و طرد اربابان امپریالیستش از این کشور است. مارکسیست - لنینیستهای ایران در کنار اهمیتی که برای وحدت خود و ایجاد حزب کمونیست قائلند، امر اتحاد اصولی با جنبش روحانیت مرفقی و تمام نیروهای انقلابی را نیز باید در دستور کار خویش داشته، ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق را با تمام وجود احساس کرده در راه تدارک آن بطور پیگیر بکوشند.

۲- مارکسیست - لنینیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی ایران باید آگاه باشند که اتخاذ هر گونه موضع نادرستی در مورد این تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق و احیاناً بهر ترتیبی، چنین برداشتی نادرست و مفروضه را شایع کردن که گویا این تغییر ایدئولوژی نه آنچنانکه خود رفقا گفته‌اند، حاصل دو سال مبارزه، ایدئولوژیک درون سازمانی و نقطه اوج یک مرحله تکامل اندیشه و عمل در میدان مبارزه، انقلابی، بلکه حاصل یک مبارزه غیر اصولی و غافلگیرانه چند تن "کمونیست منافق" علیه یک سازمان مذهبی است، دانسته یا ندانسته آب به آسیاب ضد کمونیستهای که در کمرشان رفت و نوکران سوسیال - امپریالیسم روس ریخته‌اند. اتخاذ چنین موضعی بویژه از طرف کمونیستها، درست همان چیزی است که ضد کمونیستها به خاطر دشمنی‌شان با کمونیستها، و نوکران تزارهای نوین به خاطر مواضع اصولی و قاطعی که سازمان مجاهدین خلق در قبال اربابان "قدرتمند" و پر "امکانات" شان گرفته‌اند، آرزویش را دارند. باید با احساس مسئولیت به این امر برخورد کرد، منافع گروهی و آئی نباید ما را از دیدن حقیقت امر بازدارد. پیوستن سازمان مجاهدین خلق ایران به جنبش کمونیستی وطن ما دو چندان شدن پشتوانه‌ای علی این جنبش در میدان مبارزه است، و این پیروزی بی‌بی است بزرگ و گرانبه که در تاریخ جنبش نوین کمونیستی ما به ثبت خواهد رسید. باید بگوئیم تا با وحدت صفوف خود تمامی پیروزیهای بزرگ و کوچک را یکجا کنیم، ارتش پراکنده کمونیستهای ایران را متحد سازیم، متحداً به انجام وظایف خود در قبال پرولتاریا و خلق بپردازیم، تودهای رنج‌دیده و ستمدیده خلقهایمان را که همگی ناراضی از وضع موجود و خواستار زندگی بهترند، برای سرنگون ساختن این رژیم ضد خلقی و پایان دادن به سلطه خانمان برانداز بیگانگان، بسیج، آگاه، متشکل و مسلح سازیم، تا خلقهایمان طی یک نبرد دراز مدت توده‌ای تحت رهبری پرولتاریای انقلابی ایران، دست همه دشمنان را از وطن خویش کوتاه کرده، دولت دموکراتیک خود را برپا نمایند. این روند گریزناپذیر تاریخ است. با همه امکانات خود در تسریع این جریان بکوشیم.

پیروزی بی‌تردید از آن ماست.

"پویا"

اول اردیبهشت ۱۳۵۵